

دیدار پسر و مادر پس از ۲۹ سال

پسر جوان پس از جدایی پدر و مادرش از دوران شیر خوارگی همراه پدرش برای زندگی به کشور ترکیه رفت. او ۲۹سال دوری مادرش را تحمل کرد، اما سرانجام صبرش تمام شد و چندی قبل برای پیدا کردن مادرش به تهران آمد و با کمک مأموران پلیس پس از سال‌ها دوری مادرش را در آغوش گرفت.

به گزارش جوان، چندی قبل پسر جوانی در تهران به اداره پلیس رفت و برای پیدا کردن مادرش که از دوران خردسالی او را ندیده بود در خواست کمک کرد.

پسر جوان در توضیح ماجرا گفت:از دوران کودکی همراه پدرم در کاشور ترکیه زندگی می‌کنم.دوران سختی همراه پدرم و در دوری مادرش در آن کشور گذراندم.به طوریکه برای هزینه زندگی‌ام مجبور شدم از شش سالگی در کارگاه کیف‌سازی نخ زنی کنم. همه سختی‌ها را تحمل می‌کرده‌ام،اما دوری مادرم همیشه مرا آزار می‌داد. ابتدا فکر می‌کردم مادرم فوت کرده‌است،اما از روزی که فهمیدم در دوران شیرخوارگی پدر و مادرم از هم جدا شده‌اند و به همین خاطر من با پدرم زندگی می‌کنم، بیشتر دوست داشتم مادرم را پیدا کنم و او را ببینم.

وی ادامه داد: من متوجه شدم یک سالم بوده که مادر و پدرم به دلالی از هم جدا شده‌اند و پس از آن جدایی مادرم مجدداً ازدواج می‌کند و همین موضوع باعث می‌شود که من همراه پدرم زندگی کنم. آن زمان پدرم به خاطر کارش راهی کشور ترکیه می‌شود و من را با خودش به ترکیه می‌آورد و اینگونه من از مادرم دور می‌شوم، اما الان پس از ۲۹سال دوری شوق دیدن مادرم را دارم. هر چند زمان جدایی شیرخوار بودم و تصویری از مادرم ندارم و بعضی از بستگان نیز به همین سبب فکر می‌کنند، الان من از مادرم متنفرم اما هیچ وقت فرزندی از مادرش متنفر نمی‌شود و همیشه دوست دارم که در آغوش مادرش جای بگیرد. من پس از گذشت ۲۹سال دوری از مادرم صبرم تمام شد و تصمیم گرفتم که از ترکیه به ایران بیایم و مادرم را با کمک مأموران پلیس پیدا کنم و او را در آغوش بگیرم.

■ پایان انتظار
سرهنگ کارگاه امرتضی نثاری، معلون جرائم‌جنایی پلیس آگاهی پایتخت گفت: پس از درخواست پسر ۳۰ساله تیمی از کارآگاهان اداره ۴ پلیس آگاهی به دستور مقام قضایی برای پیدا کردن مادر پسر جوان وارد عمل شدند.

بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد مادر پسر جوان پس از جدایی از شوهر اولش دوباره ازدواج کرده و در یکی از شهرهای اطراف استان تهران زندگی می‌کند.

در نهایت پس از چهارروز تلاش شانه‌روزی پسر و مادر گمشده در اداره پلیس تهران یکنگدیگر با ملاقات کردند. لحظه دیدار مادر که بی‌تاب پسرش بود و در حالی که اشک پنهانی صورتش را پوشانده بود، او را در آغوش گرفت. ۲۹سال دوری تمام شده بود و صدای حق‌پق گرچه‌ها که اشک شوق بود به گوش می‌رسید و صحنه باورنکردنی را رقم می‌زد.

زن بی‌مستال که باور نمی‌کرد پس از سال‌ها دوری به پسرش رسیده‌است، گفت: پس از جدایی از همسرم خیلی تلاش کردم که پسرم را پیدا کنم و از سرنوشت او یا خبرشوم اما شوهر سابقم همراه پسررم از ایران رفته بودند و دست من هم به جایی نمی‌رسید. هر روز در دوری پسررم می‌سوختم و به فکر او بودم تا اینکه مدتی قبل پسر کوچکم فیسبوک پسر گمشده‌ام را پیدا کرد، اما متأسفانه هر چند پیام دادیم موفق نشدیم با پسررم ارتباط بگیرم و او را پیدا کنم و الان که پسررم پیش من است خیلی خوشحالم و این لحظه قابل وصف نیست.



دستگیری قاتل پس از ۱۰ ساعت

مأموران پلیس شهرستان چرام استان کهگیلویه و بویراحمد مردی را که با همدستی چهار نفر دیگر در یک نزاع با سلاح گرم مرتکب قتل شده بود در کمتر از ۱۰ ساعت پس از وقوع قتل دستگیر کردند.

فرمانده انتظامی استان کهگیلویه و بویراحمد با اعلام این خبر به ایستاد گفت: چند روز قبل مأموران پلیس شهرستان چرام از درگیری دسته‌جمعی خونینی در یکی از خیابان‌های شهر با خبر و راهی محل شدند.

بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد فردی در درگیری با ۵ نفر با شلیک گلوله اسلحه‌ای زخمی و پس از انتقال به بیمارستان فوت کرده‌است.

سردار کبکیاد مصطفایی افزود: پس از اعلام این حادثه مأموران پلیس موفق شدند در کمتر از ۱۰ ساعت پس از وقوع قتل، قاتل و چهار نفر از همدستانش را در یکی از استان‌های همجوار دستگیر کنند.

متهم در بازجویی‌های اولیه به قتل اعتراف کرد و علت و انگیزه حادثه خونین را اختلافات قبلی بیان کرد.

حوادث

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۰

استخدام آدمکش

برای قتل ۳ عضو خانواده



نفرت دختر جوان از اعضای خانواده‌اش آن قدر زیاد بود که وقتی پسر مورد علاقه‌اش برای سرقت اموال مادر پولدارش نقشه قتل آنها را طراحی کرد، پذیرفت. آنها با همفکری هم آدمکش استفاده کردند و سنسار بوی خوشی را رقم زدند.

به گزارش جوان، شامگاه سه شنبه ۱۲ اسفند پسر جوانی در تهران وحشت زده به اداره آگاهی رفت و راز قتل سه عضو یک خانواده را بر ملا کرد.

وی در توضیح ماجرا گفت: من موبایل فروشی دارم و محل زندگی در خیابان وحدت حوالی بلوار ابوذر در جنوب تهران است. در آن محل دوستی دارم به نام بهنام که به خانه دختر مورد علاقه‌اش به نام‌شپین که طبقه پنجم‌ساختمان مسکونی در خیابان وحدت است، رفت و آمد دارد. شپین چند سال قبل از شوهرش جداشد و همراه مادر و خواهر ۳۰ساله و ناپدری‌اش در آن خانه زندگی می‌کند.

من چند باری به خانه آنها رفته بودم تا اینکه چند شب قبل بهنام گفت که آنجا کاری دارد و از من خواست او را با خودروم به خانه دختر برسانم. وقتی به آنجا رسیدم نیاز به دستشویی پیدا کردم و از دوستم خواستم از دستشویی استفاده کنم که قبول کرد. من اشتباهی به جای دستشویی وارد حمام شدم که در آنجا صحنه هولناکی را دیدم. داخل حمام خانه جسد مرد و زنی را دیدم که مشخص بود متعلق به مادر شپین و ناپدری‌اش است. در حالی که مقدار زیادی یخ روی آنها ریخته شده‌بود، اما جسدها متعفن شده‌بودند. از ترس به روی خودم نیاوردم و از آنجا بیرون آمدم اما در این چند شب عذاب وجدان رهایم نمی‌کرد و هر شب کابوس می‌دیدم تا اینکه تصمیم گرفتم به اداره پلیس بیایم و موضوع را به مأموران پلیس خبر دهم.

■ قتلگاه ۳ عضو خانواده

با اعلام این خبر تیمی از مأموران پلیس راهی محل حادثه شدند. مأموران پس از تخریب قفل در آپارتمان طبقه پنجم ساختمان مسکونی در داخل حمام با جسد زن ۴۲ساله‌ای به نام بهاره و مرد جوانی روبه‌رو شدند که حکایت از آن داشت حدود یکماه قبل بر اثر اصابت ضربات متعدد جسم سختی به سرشان به قتل رسیده‌اند. مأموران پلیس داخل منزل مسکونی بشکهای پر از مایع اسیدی پیدا کردند که پس از بررسی متوجه تکه‌هایی از جسد دختر ۲۰ساله خانواده داخل آن شدند در حال از بین رفتن است.

در حالی که بررسی‌های مأموران حکایت از جنایت هولناکی داشت قاضی حبیب‌الله صادقی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل حادثه تحقیقات خود را آغاز کردند. بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد خانه متعلق به زن ۴۲ساله‌ای است که جسد او داخل حمام پیدا شده است. همچنین مشخص شد این زن پس از جدایی از شوهرش با مردی به نام حامد که جسد او هم داخل حمام کشف شده ازدواج می‌کند و پس از آن همراه دو دختره ۲۰ و ۲۴ساله‌اش به نام‌های مهتاب و شپین بهاره در این‌خانه زندگی می‌کرده است. تیم جنایی در بررسی‌های

محل حادثه با به هم ریختگی وسایل خانه روبه‌رو شدند که مشخص شد علاوه بر سرقت تعدادی از وسایل گرانیقیمت این‌خانه دو خودروی لاجبری متعلق به مقتول و مقدار زیادی طلا و ۲۵۰میلیون تومان پول نقد از گاو صندوق مهتاب سرقت شده است.

■ اولین سرخ

در حالی که بررسی‌ها نشان می‌داد این جنایت به خاطر سرقت رخ داده است همسایه‌ها مدعی شدند که شپین و پسر مورد علاقه‌اش بهنام را پس از حادثه چندین بار در ساختمان دیده‌اند.

بدین ترتیب شپین و بهنام به عنوان مظنونان حادثه تحت تعقیب مأموران پلیس قرار گرفتند تا اینکه بامداد روز چهارشنبه سیزدهم

اسفند بهنام و شپین شناسایی و بازداشت شدند. متهمان ابتدا در بازجویی‌ها مدعی شدند در جریان حادثه هولناک نیستند، اما در بازجویی‌های فنی وقتی با مدارک و دلایل ساختمان مسکونی در داخل حمام با جسد زن ۴۲ساله‌ای به نام بهاره و مرد جوانی روبه‌رو شدند اقرار کردن که پسر جوانی را به نام فریدون برای قتل سه عضو خانواده اجیر کرده و با همدستی او دست به جنایت زده‌اند.

■ از مادرم کینه داشتم

با اعتراف متهمان، مأموران ساعتی بعد فریدون را دستگیر کردند. سه‌هفته‌روز چهارشنبه برای بازجویی به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شده و به جرم خود اقرار کردند.

دختر جوان در بازجویی‌ها مدعی شد که از مادرش کینه داشته و برای سرقت اموال او با همدستی پسر مورد علاقه‌اش نقشه قتل سه‌عضو خانواده‌اش را طراحی کرده و برای اجرای نقشه هم پسر جوانی را به نام فریدون اجیر می‌کند.

وی در توضیح ماجرا گفت: سال‌ها قبل پدر و مادرم از هم جدا شدند و من همراه پدرم شروع به زندگی کردم و خواهرم بهاره هم با مادرم زندگی می‌کرد. چند سال قبل با مردی ازدواج کردم، اما در حالی که یک فرزند داشتیم، با هم اختلاف پیدا کردیم و از هم جدا شدیم. پس از این من تنها زندگی می‌کردم و فرزندم همراه پدرش زندگی می‌کرد تا اینکه

چهار سال قبل مادرم را که سال‌ها از دور بودم پیدا کردم و تصمیم گرفتم همراه او زندگی کنم. خیلی خوشحال بودم از اینکه با مادرم زندگی می‌کردم و هرگز فکر نمی‌کردم که روزی با او اختلاف پیدا کنم، اما هر روزی که از زندگی مشترک من با مادرم و خواهر کوچکم می‌گذشت اختلافات من بیشتر می‌شد. مادرم همیشه از من ایراد می‌گرفت و مرا سرزنش می‌کرد و باهر کاری که در خانه انجام می‌دادم مخالفت می‌کرد.

وی ادامه داد: مدتی قبل داخل پارک با پسر ۱۹ساله‌ای به نام بهنام آشنا شدم، او به من ابراز علاقه کرد و من هم عاشق او شدم و قرار شد با هم از دواج کنیم، اما بهنام بیگار بود و درآمدی نداشت. پس از این ما با هم رفت و آمد داشتیم و او به خانه ما می‌آمد همین‌موضوع باعث شد اختلاف من با مادرم، خواهرم و پدر خوانده‌ام بیشتر شود تا جایی که از آنها کینه به دل گرفتم.

از طرفی هم برای شروع به زندگی با بهنام به پول نیاز داشتیم که بهنام پیشنهاد داد از خانه مادرم سرقت کنیم. او گفت اگر آنها را به قتل برسانیم همه اموالش برای ما می‌ماند و من هم که از مادرم کینه به دل داشتم نقشه او را پذیرفتم.

■ اجیر کردن قاتل

۲۰ روز قبل از حادثه دوفری نقشه قتل را طراحی کردیم و تصمیم گرفتم مردی را برای قتل اعضای خانواده‌ام اجیر کنیم. بهنام با یکی از دوستانش به نام فریدون موضوع رفت و آمد داشت و اموال آنها را سرقت گرفت مبلغی نقشه را اجرا کند.

شب حادثه بهنام تعدادی غذا از بیرون خریده بود که به خانه ما آمد. او غذاها را مسموم کرده بود و به مادرم، خواهرم و پدر خوانده‌ام دادیم. مادرم و ناپدری‌ام پس از خوردن غذای مسموم کمی گیج شدند و به داخل اتاق‌شان رفتند تا بخوابند و خواهرم نیز داخل پذیرایی در حالی که تلویزیون تماشا می‌کرد به خواب رفت. نیمه‌های شب طبق نقشه فریدون به خانه ما آمد و دوستش هم که موضوع

را به پلیس خبر داده‌بود، داخل ماشین‌در کوچکی منتظر بود. او با کابلی خواهرم را خفه کرد و بعد جسد او را به داخل اتاق خواب منتقل کردیم و تصمیم گرفتیم مادرم و پدر خوانده‌ام را به قتل برسانیم، اما آنها هنوز به خواب عمیق نرفته بود. صبح ساعت ۷ پد خوانده‌ام لباس پوشید که به محل کارش برود که او را به داخل اتاق صدا زدیم و وقتی وارد اتاق شد فریدون که از شب در گوشه‌ای مخفی شده بود با ظرف کریستالی چند ضربه به سر او زد و او را به قتل رساند.

پس از این او به سراغ مادرم رفت و با همان ظرف کریستالی چند ضربه هم به سر مادرم زد و او را هم به قتل رساند. پس از حادثه برای اینکه ردی از خود به جای نگذاریم مقدار زیادی اسید خریدیم و به داخل خانه آوردیم و داخل بشکه‌ای ریختیم و جسد خواهرم را داخل آن انداختیم تا از بین سرود. قرار بود جسد‌ها را یکی یکی داخل مایع اسیدی بیندازیم تا از بین بروند که موفق نشدیم و دستگیر شدیم.

■ دستمزد ۳۰۰ میلیون تومانی

فریدون هم در بازجویی‌ها گفت: بهنام به من پیشنهاد داد اگر اعضای خانواده دختر مورد علاقه‌اش را به قتل برسانم ۳۰۰ میلیون تومان به من می‌دهد که قبول کردم. شب حادثه ابتدا دختر جوان که خواب بود داروی بی‌هوشی خوراندیم که بیدار نشود و بعد با سیم شارژر او را به قتل رساندم و صبح هم مادر و شوهرش را به قتل رساندم. در این چند روز بهنام به خانه شپین رفت و آمد داشت و اموال آنها را سرقت می‌کرد اما دستمزدی به من نداد تا اینکه دوستم که شب حادثه داخل خودرو منتظر می‌بود عذاب وجدان گرفت و راز قتل را بر ملا کرد و ما به دام افتادیم.

متهمان در ادامه برای تحقیقات بیشتر و روشن شدن زوایای پنهانی این‌حادثه و اینکه آیا متهمان دیگر در قتل دست داشته یا نداشتند، به دستور قاضی حبیب‌الله صادقی در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفتند.

مأمور شجاع

سارق مسلح راز مینگیر کرد

مأمور شجاع در درگیری با سارق مسلحی که قصد داشت خودروی زن جوانی را در یکی از خیابان‌های شمالی تهران سرقت کند، او را با فنون رزمی زمینگیر کرد و تحویل قانون داد.

به گزارش جوان، ساعت ۱۹ پنج‌شنبه ۱۴ اسفند مأموران گشت کلانتری ۱۲۲ دربند در محله زعفرانیه متوجه زنی شدند که با فریادهای بلند درخواست کمک می‌کرد و فریاد می‌زد «آی‌زد». پس از مشاهده این صحنه یکی از مأموران پلیس به کمک زن جوان رفت که همان لحظه دید مرد جوانی از داخل خودروی پیاده شده و در حال فرار است. بدین ترتیب مأمور پلیس به تعقیب مرد مظنون پرداخت، اما دقایقی بعد او را گم کرد. متهم پس از فرار زیر خودرویی مخفی شده بود که مأمور زیرک متوجه شد و او را از زیر خودرو بیرون کشید. متهم در حالی که خود را در دام مأمور پلیس گرفتار دید ناگهان اسلحه کلت کمری مجهز به خفه‌کن از زیر پیراهنش بیرون آورد و به سوی مأمور پلیس نشانه رفت و او را تهدید به مرگ کرد. در این لحظه مأمور پلیس که مسلط به فنون رزمی است با متهم درگیر شد و در کشمکش متهم برای فرار به سوی مأمور شلیک کرد اما تیرش به خطا رفت و در نهایت هم از سوی مأمور پلیس زمینگیر شد.



سرهنگ محمدقدیمی، رئیس کلانتری ۱۲۲ دربند با اعلام این خبر گفت: زن جوان پس از انتقال به کلانتری از مرد مسلح به اتهام اقدام به سرقت مسلحانه شکایت کرد و در توضیح ماجرا گفت: پس از پایان کارم به محل پارک خودروم در خیابان طاهری، مزگان رفتم که دیدم مردی مشکوک در حال پرسه‌زدن در نزدیکی خودروام است. در حالی که احتمال دادم او سارق است به سرعت وارد خودروم شدم و هنوز خودرو را روشن نکرده بودم که همان مرد از در عقب سوار سوئچ خودروام را برداشتم و به سرعت از داخل خودروم بیرون آمدم و داخل خیابان با ناد فریاد درخواست کمک کردم که گشت مأموران پلیس از راه رسید و سارق مسلح را دستگیر کردند.

سرهنگ قدیمی، رئیس کلانتری ۱۲۲ دربند با هشدار به شهروندان که اگر در منطقه‌های مشکوک را مشاهده کردید حتماً با مرکز فوریت‌های ۱۱۰ تماس بگیرید تا با حضور به موقع مأموران جلوی چنین اتفاقاتی گرفته شود، گفت: متهم پس از تحقیقات و اعتراف به جرمش در اختیار مقام قضایی قرار گرفت.

مرگ راننده نیسان در ریز خورد با درخت

تصادف نیسان حمل گوشت با درختی در کنار

بزرگراه امام‌رضاع (ع) مسرگ راننده خودرو را رقم زد .

به گزارش جوان، سرهنگ احسان مؤمنی رئیس اداره تصادفات پلیس راهور تهران بزرگ درباره این حادثه گفت: ساعت ۰۵:۳۰ بامداد روز پنج‌شنبه چهاردم اسفند رانندگانی در حال عبور از اتوبان امام رضاع (ع) تلفنی تصادف شدیدی را به مأموران پلیس خبر دادند.

با اعلام این خبر تیم کارشناسی منطقه ۱۵ پلیس راهور تهران بزرگ راهی محل شدند که مشاهده کردند یک دستگاه خودروی وانت نیسان یخچال دار ویژه حمل فرآورده‌های دامی در مسیر شرق به غرب اتوبان امام رضا (ع) و بعد از برگردان ششبرک کاروان در لاین کشمکی در حال حرکت بوده که به علت عدم توانایی در کنترل وسیله نقلیه به مسیر خارج شده و بعد از برخورد با درخت کناری اتوبان متوقف شده است. سرهنگ مؤمنی افزود: متأسفانه در این حادثه راننده وانت نیسان در اثر شدت ضربه وارده در محل حادثه در دم جان باخته بود.

وی با بیان اینکه علت حادثه خواب آلودگی راننده از سوی کارشناسان اعلام شده است، گفت: رانندگان عزیز در هنگام رانندگی با سرعت کمتر از حد مجاز اعلامی حرکت کنند تا در صورت مشاهده خطر بتوانند وسیله نقلیه را کنترل کنند و همچنین در صورت خستگی و خواب آلودگی در محلی امن متوقف کرده و پس از استراحت کافی به مسیر خود ادامه دهند تا از وقوع حوادث رانندگی جلوگیری شود و شاهد وقوع چنین حوادث تلخی در سطح معابر شهر تهران نباشیم.



محکوم کرد.

حکم دادگاه با اعتراض اولیای دم روبه‌رو شد و دیوان عالی کشور هم رأی دادگاه را شکست و این بار پرونده را برای بررسی و صدور حکم به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاد.

در آن جلسه اولیای دم باز دیگر درخواست قصاص کردند. سپس متهم دوباره قتل عمدا را انکار کرد و گفت: مقتول قصد داشت از داخل داشبورد ماشین بایک‌سرقت کند به همین خاطر وقتی به او اعتراض کردم او گفت این موضوع به من ربطی ندارد. اما من می‌خواستم مانع سرقت شوم که او عصبانی شد و کار به درگیری کشید.

مقتول دست به چاقو شده بود باور کنید، اگر چاقو را از دستش نمی‌گرفتم جانم در خطر بود و کشته می‌شدم. من ناخواسته مرتکب قتل شدم و در تمام این ماجرا بایک شاهد حادثه بود.

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

متهم: قصد قتل نداشتم

در تحقیقات میدانی از شاهدان مشخص شد عامل قتل یکی از دوستان مقتول به نام محمد است که در درگیری او را با چاقو زخمی و از محل فرار کرده است. هم‌زمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی کارآگاهان تحقیقات برای دستگیری قاتل فراری را آغاز کردند تا اینکه مدتی بعد از حادثه متهم شناسایی و بازداشت شد.

محمد در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و در توضیح ماجرا گفت: با مقتول دوست بودم. روز حادثه با هم قرار داشتیم که برای تفریح به پارک‌المهدی برویم. همراه دیگر دوستانمان به پارک رفتیم، اما ساعتی بعد سرر موضوع جزئی با هم بحثمان شد که با وساطت دوستان آرام شدیم. پس از اینکه تفریح کردیم من و یاشار سوار خودروی یکی از دوستانمان به نام بابک شدیم تا به خانه برگردیم.

متهم با اظهار پشیمانی گفت: در مسیر راه بابک با خودروی دیگری تصادف کرد